

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی - ایران

۰۵ جنوری ۲۰۱۷

گورخواب ها؛ زائیده جامعه سرمایه داری

"سکوت گورستان سنگین و هوا سرد است. یکی یکی، بنرهای پاره، تکه پتوهای مندرس و تخته چوب‌های نیمه سوخته روی گورها کشیده می‌شود. آنها مرگ را زندگی می‌کنند.

خیلی که هوا سرد می‌شود، دنبال چوب می‌گردند برای درست کردن آتش و گرم شدن در گورهایی که پایان زندگیست برای همه، اما برای اینها شده سرآغاز و سرپناه. زن، مرد و کودک؛ کارتن‌خواب‌هایی که در قبر نشسته می‌خوانند. «دیگه اینجا چوب هم برای آتیش زدن، پیدا نمی‌شه» این را یکی از میهمان‌های ناخوانده این اتاق‌های تاریک و باریک می‌گوید.

یک ماهی می‌شود که سرما کارتن‌خواب‌ها را راهی کرده تا اطراف و درون گورستان بزرگ نصیرآباد باغستان در حومه شهریار ساکن شوند. عده‌ای درون گورستان و در قبرهای از پیش آماده شده و چندین خانواده در اطراف گورستان، در منطقه بلوک‌زنی و زیر کانال در چادر زندگی می‌کنند. در درون گورستان، ۳۰۰ گور از پیش آماده وجود دارد که ۵۰ کارتن‌خواب دست کم ۲۰ گور را اشغال کرده‌اند. در هر گور یک نفر و گاهی هم سه تا چهار نفر زندگی می‌کنند... (بخشی از گزارش گورخواب‌های نصیرآباد: زندگی در گور)

انتشار گزارش روزنامه شهروند در باره گورخواب‌های نصیرآباد شهریار، تحت عنوان "زندگی در گور" واکنش‌های مختلفی را در سطح جامعه و فضای رسانه‌ای و مجازی در پی داشت؛ از بیان احساسات هنرمندان گرفته تا روزنامه نگاران، معلمان و دانشجویان، که هر کدام به شکلی انزجار خود را از این وضعیت بیان کردند. از سوی دیگر مسئولین محلی شهریار با تصمیم استانداری تهران، خیلی زود برای پاک کردن صورت مسئله، با هجوم به کارتن‌خواب‌ها، آنها را از این محل دور کردند. به قول یکی از ساکنان گور خواب‌ها: "صبح یک عده ای آمدند و با مشت و لگد ما را متفرق کردند، از شهرداری و کلانتری بودند. آنها که ما دیدیم، لباس خاصی تن شان نبود. فقط می‌خواستند ما را متفرق کنند. وسایل ما را بردند و رفتند. البته نه وسایل همه را. فقط به ما گفتند بروید بیرون".

اما در لابه لای خبرهای مرتبط با گورخواب‌های نصیرآباد یک واقعیت نهفته دیگری وجود دارد که بسیاری یا آن را ندیدند و یا به راحتی از کنارش گذشتند و آن جامعه ای است که مناسبات انسان‌ها در آن، سرمایه سالار بوده و تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بیداد می‌کند. به بیان دیگر در چنین جامعه ای، اکثریت انسان‌ها برای ادامه حیات، ناچار اند به شکل‌های مختلف نیروی کار خود را به صاحبان سرمایه به فروش برسانند و در قبال آن مزدی را

دریافت کنند که به سختی می تواند معاش شان را تأمین کند. در مقابل استثمار اکثریت عظیم جامعه توسط سرمایه داری، فاصله طبقاتی همچنان بیشتر می شود و فقیر، فقیرتر شده و صاحبان سرمایه، ثروتمندتر می شوند. در این نظام طبقاتی، انسان مانند دیگر کالاها دیده می شود و زمانی که دیگر فروشنده نیروی کار، توانائی کار کردن نداشته باشد، او را فردی زائد و بی مصرف به حساب می آورند.

کارتن خواب ها یکی از مصائب جامعه نابرابر کنونی هستند که در سراسر دنیای سرمایه داری می توان آنها را مشاهده کرد. آنها بازمانده های ارتش ذخیره بیکاران، هم در شکوفائی و هم در بحران اقتصادی در جهان هستند که در خیابان ها و حاشیه پایتخت های مختلفی از جمله، پاریس، نیویورک، برازیلیا و تهران مشاهده می شوند. کارتن خواب ها نتیجه بیکاری روزافزون و گرانی مایحتاج زندگی در جامعه، دستمزدهای تعیین شده زیر خط فقر و دستمزدهای تحمیلی موسوم به "توافقی"، بیکارسازی ها و حقوق های معوقه کارگران می باشند. به عبارتی مادام که فقر و فلاکت گسترش یابد، حاشیه نشینی و کارتن خوابی، اعتیاد و تباهی دامنگیر بخشی از کسانی می شود که در این رقابت تنگاتنگ برای امرار معاش و زنده ماندن، دیگر رمقی برای شان باقی نمی ماند.

علاوه بر این حاکمان سرمایه از طریق رسانه های مختلف، تلاش می کنند با ترویج باورهای لیبرالیستی و رواج فرد گرایی، این تفکر را در جامعه نهادینه کنند که گویا کارتن خوابی و گورخوابی امری طبیعی و عادی است و خود آنها باعث به وجود آوردن این شرایط فلاکت بار هستند و باید تاوان خطاهای خود را بپردازند! از سوی دیگر شبکه های رادیو و تلویزیونی سرمایه همواره سعی دارند نشان دهند که دوران پرداختن به این مصائب از زاویه و نگاه طبقاتی به پایان رسیده و باید از منظر "جامعه مدنی" به معضلات جامعه پرداخت و برای نمونه می گویند که برخی از وظایف دولت ها در رابطه با فقراء را باید به "انجمن های خیریه و مددکاری مردم نهاد" محول کرد! این در حالی است که بسیاری از کارگران پیشرو و انسان های آگاهی که به روشنگری در باره علل و چرانی این مصایب ناشی از سرمایه می پردازند، سرکوب می شوند.

بدون تردید راه خلاصی از این شرایط فلاکت بار، پایان دادن بردگی مزدی و لغو استثمار انسان از انسان است. اما تا آن زمان، دولت سرمایه داری به عنوان دستگاهی که مسؤول مدیریت اجرایی کشور است، باید پاسخگوی اشتغال، مسکن و نیازهای آحاد مختلف جامعه باشد. به همان درجه ای که شهروندان نیاز به آزادی بیان و اندیشه دارند، نیازمند دستمزدهائی هستند که بتوانند از امکانات شایسته زندگی امروز بهره مند شوند و آنها را به کارتن خوابی و اعتیاد، فحشاء و دیگر مصائب اجتماعی نگشاند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۱۰/۱۰/۱۳۹۵